



## رکود بازار طلا در هرات؛

### زرگران: مردم کمتر می‌خرند، بیشتر می‌فروشند



سقوط نظام جمهوری و تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، کشور را از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متاثر ساخته است. تبعات ویرانگر این سقوط را تنها شهروندان کشور تجربه می‌کنند. افغانستان پس از تحول سیاسی ۱۵ اگست ۲۰۲۱ میلادی دیگر خانه مشترک همه شهروندان نیست. طالبان قدرت را به‌طور مطلق به دست گرفته و موجی از اخراج گروهی کارکنان اداره‌های دولتی را آغاز کرده‌اند.

## بت‌سازی‌های ذهنی

باری از پیرمرد پرسیدیم: چگونه ممکن است که انسان خود بتی بسازد و بعد آن را چنان خدایی پرستش کند و در برابر او اراده‌ای نداشته باشد؟ گفت: تا جهان بوده، همیشه چنین بوده است...



## محدودیت و تبعیض؛

# زنان مطلقه با تهدید و زندانی شدن روپیکر وهستند

## گزارش جدید بنت؛ محدودیت‌های وضع شده بر زنان آپارتاید جنسیتی است



## اندیشه: افغانستان تحت حاکمیت طالبان به نقطه صفری حقوق بشر تبدیل شده است



## چهار تن از عاملان قتل دو شهروند افغان در ایران بازداشت شدند

۸ صبح، کابل: بر بنیاد گزارش‌ها، نیروهای امنیتی ایران در مدت کم‌تر از یک هفته چهار تن از عاملان قتل دو شهروند افغان که در منطقه گلشن به قتل رسیده بودند را بازداشت کرده‌اند. خبرگزاری ایرنا روز دوشنبه، ۱۵ حوت، به نقل از سردار دوست‌علی جلیلیان، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان، گزارش داده است که این افراد در حال ورود غیرقانونی به ایران بودند و به دلیل اختلاف شخصی باهم درگیر و دو تن در این درگیری به قتل رسیدند. وی اضافه کرده است که با انجام تحقیقات و بررسی‌های صورت گرفته در این خصوص، چهار تن از عاملان این قتل شناسایی و پس از هماهنگی قضایی در عملیات‌های جداگانه در کم‌تر از یک هفته بازداشت شده‌اند. به گفته او، افراد بازداشت‌شده هنگام بازجویی به قتل دو تبعه افغان با ضرب چاقو اعتراف کرده‌اند. گفتنی است که در مورد زمان قتل این دو شهروند افغانستانی معلوماتی آرایه نشده است.

## یک بانوی افغان جایزه شجاعت را از وزارت خارجه امریکا دریافت می‌کند



۸ صبح، کابل: وزارت خارجه ایالات متحده امریکا گفته است که ذاکره حکمت، داکتر و بنیان‌گذار موسسه همبستگی مهاجران افغان، یکی از ۱۱ برنده جایزه شجاعت زنان در سال ۲۰۲۳ است. وزارت امور خارجه امریکا روز دوشنبه، ۱۵ حوت، اعلام کرده است که قرار است آنتونی بلینکن، وزیر خارجه این کشور و جیل بایدن، بانوی نخست امریکا، به تاریخ ۸ مارچ، روز جهانی همبستگی زنان، مراسم اهدای جایزه بین‌المللی شجاعت زنان سال ۲۰۲۳ را میزبانی کنند. وزارت خارجه امریکا افزوده است که ذاکره حکمت در حاکمیت نخست طالبان در افغانستان بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ مکتب را مخفیانه در ولایت غزنی تکمیل کرد و سپس برای فراگیری تحصیلات عالی با دریافت بورسیه به ترکیه رفت.

خسته‌گی‌ناپذیر در زمینه حمایت از حقوق مهاجران و زنان تلاش کرد. در اعلامیه آمده است: «او به‌عنوان یکی از معدود رهبران زن یک سازمان اجتماعی تحت رهبری پناهجویان در ترکیه، از دولت و مردم ترکیه خواست که فراموش نکنند و به کسانی که از دریگیری و آزار و شکنجه گریخته‌اند، به‌ویژه پس از سقوط کابل به دست طالبان در تابستان ۲۰۲۱ کمک کنند.»

وزارت خارجه امریکا تذکر داده است که در اثر تلاش‌های داکتر حکمت، بسیاری از افغان‌ها به‌ویژه زنان، دختران و اقلیت‌ها، به حمایت از پناهنده‌گان و پناهنده‌گی دسترسی پیدا کرده‌اند. گفتنی است که ۱۰ زن دیگر از کشورهای آرژانتین، جمهوری آفریقای مرکزی، کاستاریکا، اتیوپی، اردن، قزاقستان، مالیزیا، منگولیا، پولند، اوکراین و زنان و دختران معترض ایران نیز از دیگر دریافت‌کننده‌گان این جایزه در سال ۲۰۲۳ هستند. وزارت خارجه امریکا از سال ۲۰۰۷ به این سو، هم‌ساله جوایز بین‌المللی شجاعت را به زنان فعال از سرتاسر جهان اهدا می‌کند که تا کنون بیش از ۱۸۰ زن از ۸۰ کشور جهان به شمول افغانستان این جایزه را دریافت کرده‌اند.

خاتم حکمت در سال ۲۰۱۸ از رشته طب معالجویی در ترکیه فارغ شد و در جریان تحصیلاتش به‌طور داوطلبانه با سازمان‌های امدادساز به مهاجران همکاری داشت. بر پایه اطلاعات وزارت خارجه امریکا، خانم حکمت در سال ۲۰۱۴ در یک دفتر یک‌اتاقه با ایجاد موسسه همبستگی مهاجران افغان به‌گونه

## منابع:

### ایران ۵۶۰ زندانی افغان را به طالبان تحویل داد

۸ صبح، هرات: منابع مردمی می‌گویند که حکومت ایران در اقدام تازه‌ای ۵۶۰ تن از زندانیان افغان را به طالبان تحویل داده است. منابع مردمی به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این تعداد از زندانیان روز دوشنبه، ۱۵ حوت، در مرز اسلام‌قلعه به طالبان تسلیم داده شده‌اند. اما حافظ ضیا احمد، معاون سخنگوی وزارت امور خارجه طالبان، در رشته توییت‌هایی شمار زندانیان تحویل داده شده را ۲۶۸ تن اعلام کرده است.

معاون سخنگوی وزارت خارجه طالبان گفته که این شمار از زندانیان افغان در پی گفت‌وگوی هیأتی به رهبری دادستان کل این گروه با مقام‌های ایرانی، به طالبان تحویل داده شده‌اند. مقام‌های ایرانی و طالبان هنوز در مورد هویت و پرونده‌های زندانیان تحویل داده شده چیزی نگفته‌اند.

گفتنی است که حکومت ایران یک روز پس از گشایش بزرگترین مرکز تجارتی دائمی‌اش در کابل، این زندانیان را به طالبان تحویل داده است.





## آیاترک تحصیل پسران در حمایت از حق دختران چاره‌ساز است؟

دیروز سال تحصیلی جدید زیر سلطه گروهی که مشغول قلع‌وقمع نصاب، تصفیه کادر علمی، تخریب نظام تحصیلی و حذف غیرطالبان به‌خصوص زنان است، آغاز شد. سه‌ماهه‌نیم از روز شومی می‌گذرد که طالبان اعلام کردند زنان تا امر ثانی به دانشگاه‌ها و مراکز تحصیلی نزدیک نشوند. البته تیغ حذف طالبان مردان را نیز بی‌نصیب نمانده است و در این مدت هزاران استاد و ده‌ها هزار محصل مرد نیز مجبور به ترک تحصیل و تعلیم شده‌اند، اما حذف گروهی زنان از تحصیل، کار و اجتماع را با هیچ ظلم دیگر آن گروه نمی‌توان قیاس کرد. برخی امیدوار بودند که منع تعلیم و تحصیل دختران اقدام سیاسی برای ذخیره کردن کارت تازه در چانه‌زنی‌های تحمیل امارت باشد و امر ثانی تا پایان رخصتی‌های زمستانی صادر شود؛ اما مثل ده‌ها حدس خام و امیدهایی از سرناچاری در مورد طالبان، اشتباه ثابت شد. ما در ۸ صبح با نشر و تحلیل فرمان‌ها، سخنرانی‌ها و اسناد طالبان کوشیده‌ایم نشان دهیم که چگونه آنان نظام‌مند و با سرسختی در برابر آن‌چه غیرطالبانی می‌پندارند، می‌جنگند و به کمتر از برپایی نظام جهادی که در آن هیچ صدای مخالف، هیچ ذهن جست‌وجوگر و هیچ انسان «نافرمان» وجود نداشته باشد، تن نمی‌دهند. در میان تصمیم‌گیرنده‌گان اصلی طالبان ذهنیت جهادی حاکم است و آنان کشور را غنیمتی برای تدارک جنگ مقدس منطقه‌ای و سراسری می‌دانند. این اهداف را با صدای بلند و به تکرار از تریبون‌های مختلف گفته و توضیح داده‌اند و در عمل نیز چنان که می‌بینیم، پیاده می‌کنند. در تازه‌ترین مورد، وزیر تحصیلات گروه طالبان، ملا ندامحمد ندیم، گفت برای کسانی که امارت را نمی‌پذیرند، در نظام تحصیلی جایی نخواهد بود.

در چنین وضعیتی، آیا آنانی که نظام طالبانی را نمی‌پذیرند و حذف زنان را ظلم نابخشودنی می‌دانند، چه می‌توانند انجام دهند؟ آیا با ابزار مدنی معمول، از جمله اعتصاب، اعتراض و دست کشیدن جمعی از تعلیم و تحصیل، می‌توان طالبان را وادار به عقب‌نشینی کرد؟ درد زنان و دختران که صرفاً به دلیل تعلق جنسیتی از درس و کار محروم شده‌اند، فراتر از آن است که بتوان بیان کرد. حس محرومیت و ناچاری که دختران و زنان و در کنارشان خانواده‌ها و وابسته‌گان‌شان متحمل می‌شوند و هراسی که از آینده بر آنان سایه انداخته، فاجعه‌بار است. از این رو حمایت عاطفی محصلان و استادان مرد از خواهران محروم‌شان لازمی است و همه باید برای پایان این فاجعه با تمام نیرو تلاش ورزیم. اما به نظر نمی‌رسد نافرمانی مدنی و دست کشیدن گروه بزرگی از محصلان پسر از تحصیل، تأثیر چندانی بر تصمیم طالبان بگذارد. نخست این‌که جامعه ما در وضعیتی نیست که بتوان واقعاً اکثریت محصلان مرد را به‌طور یک‌دست در برابر آپارتاید جنسیتی طالبان بسیج کرد. ذهنیت طالبانی میان قشری از محصلان و استادان نیز ریشه‌دار است. دیگر این‌که اگر مردان آگاه از شر سیاست ضد تحصیلی و ضد زن طالبان ترک تحصیل و کار کنند، طالبان را در تصفیه یاری می‌رسانند و آنان می‌توانند دانشگاه‌ها را پر از فارغان مدارس و جنگ‌جویانی کنند که حامی امارت استبدادی‌اند.

مبارزه با مخالفان تعلیم، آزادی و ترقی آن‌گونه که در گذشته تجربه کردیم، نیازمند کار دوام‌دار و ریشه‌ای است و با بازگشایی مکاتب و مراکز تحصیلی به روی زنان نیز پایان نمی‌یابد. روحیه تسلیم‌ناپذیری و مقاومت باید ساری شود. لازم است تا به هم‌دیگر گوش‌زد کنیم که هر چوکی مکتب و هر میز دانشگاه برای مبارزه علیه تحجر و عقب‌مانده‌گی یک پایگاه است و نباید ترکش کنیم. محصلان پسر باید اندوه محرومیت خواهران‌شان را به نیرو بدل کنند. آنان باید در صنف‌ها، سمینارها، مجالس و سخنرانی‌ها تا جایی که فرصت دارند، علیه ستم طالبانی بایستند و بر حق بی‌کم‌وکاست تمام مردم در دسترسی به تعلیم و تحصیل تأکید کنند. در بیرون از مراکز تحصیلی، به آموزش خواهران خود یاری رسانند، راه‌هایی برای خنثا کردن سموم طالبانی بجویند و روشنگری پیشه کنند.

## گزارش جدید بنت؛ محدودیت‌های وضع شده بر زنان آپارتاید جنسیتی است



۸ صبح، کابل: گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته است که محدودیت‌های وضع شده بر زنان و دختران در افغانستان، تأثیر مخرب بلندمدت بر کل جمعیت افغانستان دارد. ریچارد بنت، روز دوشنبه، ۱۵ حوت، گزارش تازه‌اش را در پنجاه‌دومین نشست سالانه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه کرده است. او به شورای حقوق بشر گفته است: «در افغانستان محدودیت‌های انباشته بر زنان و دختران تأثیر مخرب بلندمدتی بر کل جمعیت دارد و مساوی است با آپارتاید جنسیتی.» او همچنان گفته است که هیچ کشوری نمی‌تواند با نصف جمعیت بزرگ‌سالش که عملاً در خانه زندانی‌اند، کار کند. بنت خاطرنشان کرده است: «نقش زنان کارمند در ارایه کمک‌ها بسیار مهم است. من از مقام‌های بالفعل می‌خواهم که فوراً ممنوعیت کار زنان برای سازمان‌های غیردولتی را لغو کنند.»

۸ صبح، کابل: گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته است که اجازه ندهد موارد غیرقابل قبول به یک امر عادی تبدیل شود و همچنان از او خواسته شده است که بر احترام به استندردهای بین‌المللی حقوق بشر از سوی طالبان پافشاری کند. بنت افزوده است که بازداشت فعالان، ترس را در جامعه ایجاد می‌کند و تأثیری وحشت‌ناک بر آزادی‌های اساسی شهروندان دارد. به گفته او، برای حفاظت از جوامع، باید اقدامات بیشتری انجام شود. افزون بر این، باید پاسخگویی در قبال خشونت‌های حقوق بشری در افغانستان وجود داشته باشد و مصونیت طولانی‌مدت در برابر جرایم به چالش کشیده شود، چه در برابر جرایمی که در گذشته انجام شده و چه آن‌چه در حال حاضر انجام می‌شود. گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد امشب گزارش تازه‌اش را که در دومین سفرش به افغانستان تهیه کرده بود، به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه کرده است.

## طالبان شش تن را در میدان فوتبال یک مکتب در پروان شلاق زدند

دوشنبه، ۱۵ حوت، در حضورداشت مقام‌های این گروه و برخی ساکنان محلی در میدان فوتبال لیسه ذکور جبل‌السراج شلاق زده‌اند. طالبان این افراد را به اتهام فرار از منزل و قمار شلاق زده‌اند. طالبان تا کنون به‌گونه رسمی در این مورد چیزی نگفته‌اند.



گفتنی است که با تسلط طالبان در افغانستان، این گروه در محاکم صحرائی در ولایت‌های دیگر نیز جوانان را به اتهام‌های مشابه در محضر عام نیز شلاق زده‌اند.

۸ صبح، پروان: منابع محلی در ولایت پروان می‌گویند که طالبان شش تن به شمول دو دختر را در این ولایت شلاق زده‌اند. منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که طالبان این افراد را روز

## نماینده بریتانیا در شورای حقوق بشر: طالبان زنده‌گی باعزت را برای مردم افغانستان ناممکن کرده‌اند



۸ صبح، کابل: نماینده بریتانیا در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته است که طالبان زنده‌گی با عزت و امنیت را برای مردم افغانستان تقریباً ناممکن کرده‌اند. سایمن مانلی، نماینده بریتانیا در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، روز دوشنبه، ۱۵ حوت، در پنجاه‌دومین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در جینوا با اشاره به محدودیت‌های طالبان علیه زنان افغان گفته است که نیمی از جمعیت افغانستان عملاً در خانه‌های‌شان زندانی‌اند. وی افزوده است: «اگر زنان از آزادی خود استفاده کنند، در معرض خطر بازداشت و ضرب‌وشتم قرار می‌گیرند.» آقای مانلی خاطرنشان کرده است که خشونت خانوادگی در حال افزایش است و دختران به جای رفتن به مکتب و برنامه‌ریزی آزادانه برای آینده‌شان، با سرنوش و ویرانگر ازدواج اجباری مواجه می‌شوند. او از ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان

ملل برای افغانستان، به دلیل روشن کردن وضعیت رو به وخامت حقوق بشر در کشور تشکر کرده است. این در حالی است که آقای بنت در گزارش تازه‌اش گفته است: «در افغانستان محدودیت‌های انباشته بر زنان و دختران تأثیر مخرب بلندمدتی بر کل جمعیت دارد و مساوی است با آپارتاید جنسیتی.» او افزوده است که بازداشت فعالان، ترس را در جامعه ایجاد می‌کند و تأثیری وحشت‌ناک بر آزادی‌های اساسی شهروندان دارد. به گفته او، برای حفاظت از جوامع، باید اقدامات بیشتری صورت گیرد.

اندیشه:

## افغانستان تحت حاکمیت طالبان به نقطه صفری حقوق بشر تبدیل شده است

۸ صبح، کابل: نماینده افغانستان در جینوا گفته است که در ۱۸ ماه گذشته افغانستان تحت حاکمیت طالبان، به نقطه صفری حقوق بشر و گورستان نورم‌های بین‌المللی تبدیل شده است.

نصیراحمد اندیشه، نماینده افغانستان در جینوا، روز دوشنبه، ۱۵ حوت، با نشر توییتی گفته است که طالبان پیوسته در برآوردن خواسته‌های اساسی مردم افغانستان و انتظارات جامعه جهانی حتا از کسانی که سخاوتمندانه از آن‌ها حمایت کردند، ناکام بوده‌اند.

به گفته او، فرمان‌های مستمر و اوهم رهبری این گروه، بحران‌های بشردوستانه و حقوق بشری در افغانستان را عمیق‌تر کرده است. اندیشه از گزارش ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، استقبال کرده و از این شورا خواسته است که به فراخوان یک‌پارچه «فعالان نترس» حقوق زنان و سازمان‌های حقوق بشر پاسخ داده و یک مکانیسم مستقل حساب‌دهی قوی برای افغانستان ایجاد کند.

گفتنی است که ریچارد بنت روز دوشنبه، ۱۵ حوت، گزارش تازه‌اش را در پنجاه‌دومین نشست سالانه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه کرده است.

او گفته است که محدودیت‌های وضع شده بر زنان و دختران، تأثیر مخرب بلندمدت بر کل جمعیت افغانستان دارد.

بنت افزوده است که بازداشت فعالان، ترس را در جامعه ایجاد می‌کند و تأثیری وحشت‌ناک بر آزادی‌های اساسی شهروندان دارد. به گفته او، برای حفاظت از جوامع، باید اقدامات بیشتری انجام شود.



## حنفی: شرکت‌های متعلق به کشورهای اسلامی روی معادن افغانستان سرمایه‌گذاری کنند

۸ صبح، کابل: معاون اداری ریاست‌الوزاری طالبان در دیدار با طارق علی بخیت، نماینده خاص سازمان همکاری اسلامی برای افغانستان، از شرکت‌های کشورهای اسلامی خواسته است تا در عرصه‌های استخراج معادن، تولید انرژی، مواصلات و سایر عرصه‌ها در افغانستان سرمایه‌گذاری کنند.

عبدالسلام حنفی، معاون اداری ریاست‌الوزاری طالبان، روز دوشنبه، ۱۵ حوت، در دیدار با آقای بخیت گفته است که اگر از نماینده‌گان طالبان در نشست‌های سازمان همکاری اسلامی دعوت شود، نتیجه موثر در قبال خواهد داشت.

طارق علی بخیت نیز در این دیدار در مورد نشست اخیر وزیران خارجه کشورهای عضو این سازمان که در آن بر تداوم کمک‌های بشردوستانه به افغانستان تأکید صورت گرفت، معلومات داده است.

گفتنی است که استخراج غیرقانونی و قاچاق معادن از نگرانی‌های دایمی شهروندان افغانستان بوده، اما پس از بازگشت طالبان به قدرت، به‌شکل بی‌پیشینه‌ای افزایش یافته است.

## محدودیت و تبعیض؛

# زنان مطلقه با تهدید و زندان به شدن روبه‌رو هستند

**ریاست عمومی دادستانی منع خشونت علیه زنان، در زیرمجموعه «معاونت امور مبارزه با خشونت علیه زنان و اطفال لوی سارنوالی» فعال بود. ریاست‌های دادستانی‌های «تحقیق، ابتدایی، استیناف و تمیز منع خشونت علیه زنان» از نهادهایی بودند که در چوکات این معاونت در راستای مبارزه با خشونت علیه زنان کار می‌کردند.**

مثلا زن می‌تواند به سبب مریضی صعب‌العلاج، عدم انفاق و عیب مرد، درخواست تفریق کند. آقای رفعت تصریح می‌کند: «اگر حکم تفریق از طرف محکمه باصلاحیت آن زمان صادر شده باشد، مرعی‌الاجرا است و رژیم طالبان نمی‌تواند تمام احکام صادره گذشته را ملغا اعلام کند.» او تأکید می‌ورزد: «درخواست تفریق از طرف خانم به معنای بدکاره بودن زن نیست. زن بنا بر هر دلیلی نمی‌تواند زنده‌گی مشترک را با شوهرش ادامه بدهد. این به هیچ عنوان بدکاره بودن زن را نشان نمی‌دهد. همچنان‌که یک مرد وقتی خانمش را طلاق می‌دهد، به این معنا نیست که مرد بدکاره است. پی‌گرد این زنان از سوی طالبان خلاف ارزش‌های انسانی و حقوقی بشری است.»

فاروق علی، دادستان پیشین، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «در مجموع چهار نوع انحلال ازدواج داریم: طلاق، تفریق، فسخ و خلع. تفریق یکی از حقوق قانونی زنان است. در صورتی که شوهر زن مشکل داشته باشد، مریض باشد، غایب شود، توانایی پرداخت نفقه را نداشته باشد یا برای خانم ضرر برساند، زن حق دارد که تفریق خود را از شوهرش بگیرد. زنده‌گی خانم با شوهرش ناممکن می‌شود، چون دیگر راهی برایش باقی نمی‌ماند. این تنها راه قانونی [بود] که قوانین افغانستان آن را تثبیت کرده و پارلمان آن را تصویب کرده بود و براساس آن در بیست سال گذشته اجراءات صورت می‌گرفت. یکی از راه‌هایی که می‌توانست از ظلم و ستم که بر زنان صورت می‌گیرد یا خودکشی که وجود داشت، از اجباری که تحت خشونت قرار می‌گرفت، تفریق یکی از صلاحیت‌هایی بود. هم از لحاظ شرعی و هم از لحاظ قانونی باید به محاکم مراجعه کنند و تفریق بگیرند.»

او تأکید می‌ورزد که در زمان نظام جمهوری هزاران پرونده تفریق وجود داشته است. این دادستان می‌افزاید: «با وجودی که در گذشته هم به نحوی مردسالاری حاکم بود، ولی قانون در کل به نفع خانم‌ها در این قضیه بود. با سرنگونی حکومت قبلی، قوانینی که در قسمت انحلال ازدواج وجود داشت، لغو شده است. با دید افراطی که طالبان نسبت به این قضیه دارند، آن پرونده‌ها را باطل کرده‌اند. وقتی قانون را باطل کرده‌اند، تفریق را هم لغو کرده‌اند. فشار بسیار حداکثری بالای این‌ها [خانم‌ها] وارد کرده‌اند که این‌ها مرتکب جرم شده‌اند. حتی درخواست تفریق توسط خانم‌ها را به نحوی زیر سوال برده‌اند و انتقاد می‌کنند. خشونت بسیار ظالمانه است که طالب‌ها روی دست گرفته‌اند. یکی از دلایل همین است که اکنون در هر ولایت قضایای خودکشی بیشتر شده و مشکلات روانی خانم‌ها افزایش یافته است.»

این دادستان پیشین می‌افزاید: «ماده ۱۳۹ قانون مدنی، به خاطر رهایی زنان از انواع مشکلات در خانواده حق تفریق را در نظر گرفته بود. این کافی نبود، موارد دیگر هم باید شامل قانون می‌شد. ما در گذشته قانون منع آزاروآذیت زنان را داشتیم. با وجود آن هم شاهد بروز انواع خشونت علیه زنان بودیم. حال که همه قوانین ملغا شده‌اند، خشونت‌های فاجعه‌بار در خانواده‌ها اتفاق می‌افتد و فاجعه را در داخل خانواده‌ها برده و زنان با انواع خشونت‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند.»

زنان مطلقه در افغانستان در حالی با خطرات جدی روبه‌رو شده‌اند که هیچ نهاد قانونی مشخص نیز وجود ندارد تا از زنان در مقابل این تهدیدات محافظت کند. در زمان جمهوری در کنار نهادهای عدلی و قضایی، نهادهای اختصاصی برای رسیدگی به جرایم علیه زنان نیز وجود داشت. هنوز روشن نیست که این هزاران تن با چه مشکلات دیگر روبه‌رو خواهند شد.

اما آن‌چه روشن است، طالبان تمام قوانین حمایتی زنان را لغو کرده و آنان را از حقوق انسانی‌شان محروم ساخته‌اند و هم‌روزه بر محدودیت و ممنوعیت علیه زنان می‌افزایند.



می‌شنید و به آن رسیده‌گی می‌کرد، اما فعلا نهادی وجود ندارد. تمام نهادهای ذی‌ربط در این مورد لغو شده‌اند.»

### لغو دادستانی مبارزه با خشونت علیه زنان از سوی طالبان

این در حالی است که پیش از فروپاشی نظام جمهوری در افغانستان، معاونت امور مبارزه با خشونت علیه زنان و کودکان در دادستانی کل پیشین برای مبارزه با خشونت علیه زنان ایجاد شده بود. «معاونت امور مبارزه با خشونت علیه زنان و اطفال لوی سارنوالی» وظیفه داشت تا به پرونده‌های خشونت علیه زنان و کودکان رسیده‌گی کند. این نهاد مسوولیت داشت تا از تأمین حقوق شرعی، قانونی و حفظ کرامت انسانی زنان حمایت کند، برای جلوگیری از خشونت علیه زنان و کودکان گام‌های قانونی را بردارد و از زنان متضرر پشتیبانی کند. مراقبت از اتخاذ تصمیم دادستان‌ها در مورد قانونی بودن توقیف مظنونان و متهمان خشونت علیه زنان، پیش‌برد امور تحقیق و تعقیب قضایای خشونت علیه زنان و پیشنهاد تعلیق از وظیفه، ممنوع‌الخروجی و سایر تدابیر احتیاطی از مسوولیت‌های عمده این نهاد بود.

ریاست عمومی دادستانی منع خشونت علیه زنان، در زیرمجموعه «معاونت امور مبارزه با خشونت علیه زنان و اطفال لوی سارنوالی» فعال بود. ریاست‌های دادستانی‌های «تحقیق، ابتدایی، استیناف و تمیز منع خشونت علیه زنان» از نهادهایی بودند که در چوکات این معاونت در راستای مبارزه با خشونت علیه زنان کار می‌کردند.

براساس گزارش واشنگتن‌پست، طالبان گفته‌اند که برای اثبات خشونت‌های خانوادگی زنان در نخست باید به حوزه‌های مربوطه مراجعه کنند و برای اثبات ادعای‌شان شاهد داشته باشند. این در حالی است که خشونت‌های خانوادگی در پشت درهای بسته صورت می‌گیرد و هیچ مردی حاضر نخواهد شد به جرم خویش اعتراف کند. طالبان علاوه بر حذف دادستانی اختصاصی منع خشونت علیه زنان، بانوان را از تمام تلاش‌های حقوقی و قانونی محروم کرده‌اند و در حال حاضر هیچ زنی در منصب قضایی در دادگاه طالبان حضور ندارد.

### واکنش حقوق دانان و دادستان‌ها

میرزا رفعت، یک تن از حقوق دانان کشور، در صحبت با ۸صبح می‌گوید: «مطابق قانون مدنی افغانستان زن‌ها می‌توانند از محکمه درخواست تفریق کنند.

«یک خانم را شوهر قبلی‌اش کشت. یک دختر زیر سن بود، او را خانواده‌اش به زور به شوهر داده بودند. ۱۸ روز با شوهرش بود، بعد دیگر با شوهرش سپری نکرد و به خانه امن آمد. شوهرش طلاق نمی‌داد، اما طلاقش گرفته شد. شوهرش در تعقیبش بود. وقتی طالب آمد، ما دیگر زنان را نگاه نتوانستیم. قوم و خویش این زن‌ها را پیدا کردیم و آن‌ها را برای‌شان تسلیم کردیم. این دختر را به خواهرش تسلیم کردیم. شوهرش او را تعقیب می‌کرده است. یک روز در کوچه تنها بوده، شوهرش با ضرب چاقو او را کشت. ۱۴ چاقو زده بود. بعد خودش گریخت، رفت همراه طالب‌ها. ده‌ها تن را می‌شناسیم که بدبخت شده‌اند. وقتی طالب آمد، همه را اخطار داد. ما را اخطار دادند که شما زن‌های مردم فرار داده‌اید. اکثریت زنانی که در خانه امن بودند، از شوهران‌شان جدا شده بودند، حال سرنوشت اکثریت آن‌ها مرگ است.»

در همین حال زهره عزیزی، یک تن از وکلای مدافع زن، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که در زمان جمهوری پرونده‌های زنانی را که از شوهران‌شان طلاق گرفته‌اند، پیش برده است. به گفته این وکیل مدافع زن، اکنون زنانی که طلاق گرفته‌اند، در صحبت با او از مشکلاتی که به آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، حکایت‌های تلخ و دردناک دارند. او می‌گوید: «بعد از آمدن طالبان تعداد زیادی از موکلانم تماس می‌گیرند و این موضوع را مطرح می‌کنند که شوهران قبلی‌شان با طالبان کار می‌کنند، جایگاه پیدا کرده‌اند، برای‌شان اخطار می‌دهند و [شوهران زنان طلاق‌شده] می‌گویند زمان حکومت ما [طالبان] است، ما از شما انتقام می‌گیریم و شما را زندانی می‌سازیم. شاید تعداد زیادی از زنان در زندان طالبان هم باشند.»

این وکیل مدافع پرونده یکی از موکلان سابقه‌اش را با ۸صبح شریک می‌سازد و تأکید می‌ورزد که موکل او با تهدید جدی مواجه است. خانم عزیزی می‌گوید زنی یکی از موکلان او، اکنون از سوی شوهر قبلی‌اش با تهدید جدی مواجه است. او می‌افزاید: «براساس وثیقه شرعی وکیل یک خانم تعیین شده بود. از شوهرش طلاق گرفته بود. شوهرش فعلا با طالبان کار می‌کند. فکر می‌کنم در استخبارات‌شان است. خانم طلاق‌شده‌اش را تهدید می‌کند و می‌ترساند. آن خانم برایم می‌گوید که از طرف شب تحت تهدید قرار دارم، اخطار می‌دهد و شاید امکان دارد مرا زندانی سازد.»

خانم عزیزی می‌گوید: «قبلا محکمه و سارنوالی منع خشونت علیه خانم‌ها فعال بود. زمانی که یک خانم از شوهرش طلاق می‌گرفت، اگر شوهرش دست به انتقام‌جویی می‌زد، سارنوالی منع خشونت صدایش را

امین کاوه

طالبان هم‌روزه بساط زنده‌گی را برای زنان افغانستان تنگ‌تر می‌سازند. این گروه پس از فرمان‌های محدودکننده و حذف‌گرایانه زنان، این بار در پی انتقام‌گیری و زندانی ساختن زنان مطلقه هستند. ده‌ها زنی که در زمان جمهوری بنا بر خشونت‌های خانوادگی و مشکلاتی که با آن مواجه بوده‌اند، طلاق گرفته یا براساس حکم محاکم تفریق شده‌اند، اکنون با خطر زندانی شدن و انتقام مواجه‌اند. به‌تازگی واشنگتن‌پست نیز در گزارشی آورده است که هزاران زنی که قبلاً بدون رضایت شوهران‌شان طلاق گرفته بودند، با احتمال زندانی شدن روبه‌رویند. بربنیاد این گزارش، تفسیر سخت‌گیرانه طالبان از احکام اسلامی، جان هزاران زن مطلقه را با خطر روبه‌رو ساخته است. ۸صبح نیز در گفت‌وگو با شماری از این زنان دریافته است که آنان از سوی شوهران قبلی‌شان که در حال حاضر با طالبان ارتباط دارند، با تهدید جدی مواجه‌اند و حتی در برخی موارد منجر به قتل زنان شده که از شوهران‌شان جدا شده‌اند.

واشنگتن‌پست روز شنبه، ۱۳ حوت، با نشر گزارشی گفته است، زنانی که در افغانستان طلاق گرفته‌اند، از نظر طالبان «قانون‌شکن و بدکاره» شناخته می‌شوند. براساس این گزارش در حال حاضر هزاران زن مطلقه با خطر زندانی شدن و انتقام‌جویی‌های خشونت‌آمیز مواجه‌اند. بربنیاد این گزارش، از زمان فروپاشی نظام جمهوری، قدرت به نفع شوهران این زنان که با طالبان رابطه دارند، تغییر کرده است. در گزارش گفته شده که زنان مطلقه پس از ازدواج دوم مجبور شده‌اند از ترس انتقام‌جویی از سوی همسران پیشین‌شان و اتهام «زنا» مخفی شوند.

زنانی که از شوهران‌شان به دلایل خشونت‌های خانوادگی «تفریق» شده‌اند، رنج‌ها و دردهایی را متحمل شده‌اند که به قول خودشان زبان از بیان آن عاجز است. روزنامه ۸صبح با یکی از زنانی که به دلیل شکنجه توسط شوهرش بارها تا نزدیک مرگ رفته، صحبت کرده است. این خانم فریبا فقیری دارد. او در جریان گفت‌وگوی کوتاه با ۸صبح بارها مطالب را فراموش و معذرت‌خواهی کرده است.

خانم فقیری می‌گوید: «از ولسوالی امام‌صاحب ولایت کندز هستم. شوهرم قاری آصف، مشهور به ابوخلیفه است. ۱۷ سال از عروسی‌ام می‌گذرد. به حدی لت‌وکوب شدم که تکلیف اعصاب پیدا کردم. همه چیز فراموش می‌شود. او مرا شکنجه می‌کرد. ظلم‌ها را سپری کردم که هیچ گفته نمی‌توانم. زیاد لت خوردم، بسیار شکنجه شدم. به فرق‌فرقم با چوب، سنگ و پلاس زده است. هر چیز گیرش می‌آمد، می‌زد. چنان لت می‌کرد که از گپ زدن می‌ماندم.»

این خانم می‌گوید: «حافظه خود را از دست داده‌ام. گپی را که بخوامم بزنم، دفعتا از یادم می‌رود. به‌خصوص در این وضعیت، نمی‌توانم گپ بزنم. به ریاست امور زنان کندز عریضه کردم، او [شوهر] را به سارنوالی معرفی کردم. پولیس جلب کرد، او گریخت، رفت به صف طالب. مرا تهدید می‌کرد. در جایی که کار می‌کردم، در آن‌جا نیز رد مرا پیدا کرد. حال به یکی از کشورهای منطقه آمده‌ام. این‌جا نیز مرا پیدا خواهد کرد. حال بی‌سرنوشت و بی‌کس هستم. کسی دست ما را نمی‌گیرد تا از خاک ما را بلند کند. طالبان قاتل در هر جای دنیا قدرت پیدا کرده‌اند. قاری آصف در یکی از ریاست‌های استخبارات طالبان کار می‌کند. حال که دیپورت کردن زیاد شده، می‌ترسم که ما را دیپورت کنند، به گیر قاتلان و ظالمان بیفتیم. اگر دیپورت کنند، زنده‌گی و آینده ما چه خواهد شد؟»

با این حال یکی از کارمندان خانه‌های امن که نمی‌خواهد هویتش فاش شود، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید قضایای زیادی را سراغ دارد که پس از فروپاشی نظام جمهوری منجر به قتل زنان «تفریق‌شده» گردیده است. او به ۸صبح می‌گوید:



## چالش‌های اجرایی پروژه افغان - ترانس پس از تسلط طالبان

تذیر احمد رسا

با توجه به این‌که کشورهای آسیایی مرکزی به شمول اوزبیکستان و افغانستان محاط به خشکه هستند، این کشورها از دیر زمانی تلاش دارند به آب‌های آزاد وصل شوند. برای اتصال آسیای مرکزی به آسیای جنوبی، دو مسیر اوزبیکستان - افغانستان - پاکستان و اوزبیکستان - افغانستان - ایران وجود دارد. پروژه راه آهن افغان - ترانس، از گذشته‌ها مورد بحث است و بخشی از کارهای مطالعات ابتدایی آن در حکومت قبلی و همچنان اخیراً صورت گرفته است. مقام‌های طالبان طی نزدیک به دو سال حاکمیت‌شان، بارها گفته‌اند که شرایط را برای تطبیق این پروژه فراهم کرده‌اند و کار روی آن جریان دارد. این پروژه که نقش مهمی در تجارت و اقتصاد سه کشور دارد، اما اجرایی کردن آن، به‌ویژه پس از تسلط طالبان بر افغانستان، با چالش‌های زیادی مواجه شده است. در این نوشته تلاش شده است که به‌طور خلاصه به این چالش‌ها پرداخته شود.

۱. هزینه پروژه: پروژه راه آهن سه‌جانبه اوزبیکستان - افغانستان - پاکستان ۷۶۰ کیلومتر طول دارد و هزینه ساخت آن ۴.۸ میلیارد دالر امریکایی برآورده شده است. براساس مطالعات ابتدایی، ساخت این راه آهن پنج سال زمان می‌گیرد تا تکمیل و به بهره‌برداری سپرده شود. تامین هزینه ساخت این پروژه که نزدیک به پنج میلیارد دالر امریکایی برآورد شده است، در توان هیچ یک از سه کشور بنا بر شرایط اقتصادی‌ای که دارند، نیست. هرچند پاکستان و اوزبیکستان تلاش کرده‌اند که از بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی، بانک اروپایی بازسازی و توسعه و سایر منابع مالی برای تطبیق این پروژه سرمایه جذب کنند، اما تا هنوز موفق نبوده‌اند. غیر از این سه کشور تاکنون هیچ بانک یا کشوری عملاً حاضر نشده‌اند که در این پروژه سرمایه‌گذاری و مشارکت کنند. از طرف دیگر، فقدان حکومت مشروع در افغانستان که طرف اعتماد نهادهای مالی و جامعه جهانی باشد، تمویل این پروژه را بسیار دشوار و حتا غیرممکن کرده است. با توجه به این‌که رژیم طالبان تحریم

اقتصادی است، انتقال پول هم از طریق بانک‌ها به افغانستان ناممکن است. چنان‌چه برای ادامه سروی مقدماتی این پروژه که هزینه ناچیزی نیاز بود، این مبلغ از طریق نماینده‌گی‌های سیاسی پاکستان و اوزبیکستان به‌گونه نقدی به طالبان پرداخت شد. بناءً نظر به این شرایط، بعید به نظر می‌رسد که بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی و کشورها برای تطبیق این پروژه سرمایه‌گذاری کنند. حتا کنسرسیوم مالی که قبلاً ایجاد شده بود تا در این پروژه سرمایه‌گذاری و مشارکت کند، پس از تسلط طالبان از هم پاشیده است.

۲. نبود پرسونل تخنیکی و ظرفیت مدیریتی در رژیم طالبان: از زمانی که طالبان به قدرت رسیده‌اند، بیشتر افرادی را که در رهبری و سایر بخش‌های اداره خط آهن استخدام و یا جابه‌جا کرده‌اند، تعلیم‌یافته‌های مدرسه‌های دینی‌اند. در حالی که برای دیزاین، ساختمان و بهره‌برداری پروژه بزرگ افغان - ترانس به کارمندان مسلکی، ورزیده و باتجربه نیاز است. هرچند اداره خط آهن چند سالی می‌شود که ایجاد شده و نیروی بشری لازم برای تطبیق پروژه‌های خط آهن را نداشت، اما این اداره تحت کنترل طالبان به‌شدت از نظر ظرفیت مدیریتی و تخنیکی افت کرده است. چنان‌چه طالبان بیش از یک سال می‌شود که در اجرای پنج درصد کار باقی‌مانده پروژه ۳۰ کیلومتر خط آهن آقینه - اندخوی ناکام‌اند. همچنان طالبان نتوانسته‌اند شرایط را برای اجرای پروژه ۴۳ کیلومتر خط آهن خواف - هرات که ۳۵ درصد کار ساختمانی آن پیش رفته بود و توسط یک شرکت خارجی ساخته می‌شد را فراهم کنند. با این حال چگونه می‌شود خوش‌بین بود که طالبان پروژه‌ای به این بزرگی را تطبیق و مدیریت کنند؟

خلاف ادعای طالبان، این گروه حتا بهره‌برداری پروژه‌های قبلی خط آهن را نیز مدیریت نتوانسته‌اند. چنان‌چه در بهره‌برداری و حفظ و مراقبت از خط آهن خیرتان - مزار شریف ناتوان بوده و اوزبیکستان نفوذ و تسلطش را حفظ کرده است. بهره‌برداری، حفظ و مراقبت از خط آهن خیرتان - مزار شریف حدود یک دهه توسط یک شرکت اوزبیکستانی در بدل پول

**پروژه راه آهن سه‌جانبه  
اوزبیکستان - افغانستان -  
پاکستان ۷۶۰ کیلومتر طول  
دارد و هزینه ساخت آن ۴.۸  
میلیارد دالر امریکایی برآورده  
شده است. بر اساس مطالعات  
ابتدایی، ساخت این راه آهن  
پنج سال زمان می‌گیرد تا  
تکمیل و به بهره‌برداری سپرده  
شود. تامین هزینه ساخت این  
پروژه که نزدیک به پنج میلیارد  
دالر امریکایی برآورد شده  
است، در توان هیچ یک از سه  
کشور بنا بر شرایط اقتصادی‌ای  
که دارند، نیست.**

گزار سالانه ۱۸ میلیون دالر انجام می‌شد. اخیراً طالبان بهره‌برداری، حفظ و مراقبت از این خط آهن را طی یک قرارداد به مبلغ سالانه حدود پنج میلیون دالر امریکایی به یک شرکت قزاقستانی سپردند، اما اوزبیکستان با این کار مخالفت کرد و اجازه ورود به لوکومتیوهای شرکت قزاقستانی به خاک خود را نداد. اوزبیکستان به حکومت طالبان خط مشی تعیین کرد که به شرکت‌های غیراوزبیکستانی اجازه بهره‌برداری را نمی‌دهد. طالبان مجبور شدند قرارداد خویش را با شرکت قزاقستانی فسخ کرده و این پروژه را دوباره به شرکت اوزبیکستانی بسپارند. تنها پیامد این اقدام طالبان، تعطیلی چندروزه این مسیر تجاری بود که میلیون‌ها دالر به تاجران زیان به بار آورد. بنابراین، طالبان نه پرسونل تخنیکی و تجهیزات برای اجرای پروژه افغان - ترانس را دارند و نه هم امکاناتی برای بهره‌برداری از این پروژه را.

۳. گنج (عرض خط آهن): کشورهای همسایه افغانستان از گنج‌های متفاوت برای خطوط آهن خود استفاده می‌کنند. این مساله به یک مشکل اساسی برای تعیین گنج در خط آهن افغانستان تبدیل شده است. تاکنون نیز افغانستان بنا بر نداشتن بودجه، تجهیزات و نیروی کار مسلکی، از روی ناگزیری اجازه داده است که گنج‌های متفاوت وارد کشور شود. چنان‌چه خط آهن خیرتان - مزار شریف با گنج ۱۵۲۰ و خط آهن خواف - هرات با گنج ۱۴۳۵ ساخته شده است و خط آهن قندهار - سپین‌بولدک که هنوز ساخته نشده است، با گنج ۱۶۷۶ توسط پاکستانی‌ها دیزاین شده است. پروژه خط آهن افغان - ترانس که در ادامه خط آهن خیرتان - مزار شریف، قرار دارد، قرار است با گنج ۱۵۲۰ ساخته شود. این در حالی است که گنج خط آهن پاکستان ۱۶۷۶ است. در صورت تطبیق این پروژه، نیاز است که در مرز افغانستان و پاکستان به خاطر تفاوت گنج، باید تغییر «پوزی» صورت گیرد. این امر مدت انتقال را افزایش می‌دهد و هزینه انتقال را نیز بالا می‌برد. همچنان این تغییر نیاز به تاسیسات بزرگ با تجهیزات و پرسونل تخنیکی زیاد دارد.

چالش دیگری که گنج ۱۵۲۰ برای افغانستان دارد، این است که خط آهن خواف - هرات با گنج ۱۴۳۵ ساخته شده است. ایران در تلاش است که این خط آهن تا مزار شریف با همین گنج ۱۴۳۵ ساخته شود. از سوی دیگر پاکستان نیز در تلاش است که خط آهن قندهار - سپین‌بولدک با گنج ۱۶۷۶ ساخته شود. بناءً این تفاوت گنج‌ها در خطوط آهن افغانستان، روند ترانزیت را با مشکلات بسیار زیادی مواجه می‌کند و انتقالات در داخل افغانستان را نیز با مشکل مواجه خواهد کرد.

۴. امنیت: پروژه خط آهن افغان - ترانس به‌گونه مستقیم از طرف گروه داعش تهدید شده است. هیات سه‌جانبه افغانستان، اوزبیکستان و پاکستان که در ماه جون ۲۰۲۲ سروی مقدماتی این پروژه را انجام داد، از این‌که از طرف داعش تهدید شده بود، بیشترین هزینه را از قبیل کرایه گرفتن موتورها زرهی، نیروی محافظتی و سایر تمهیدات امنیتی برای محافظت تیم تخنیکی مصرف کرد. با توجه به این‌که گروه داعش

چندین عملیات را در ولایت‌های کابل و هرات انجام داده و از طرف دیگر به‌طور مستقیم این پروژه را تهدید کرده است، می‌تواند یک تهدید جدی برای این پروژه باشد. به‌ویژه این‌که مسیر پروژه از مناطق کوهستانی و صعب‌العبور می‌گذرد، تامین امنیت آن در صورتی که داعش در افغانستان فعال باشد، ناممکن می‌شود. همچنان از آنجایی که طالبان پاکستانی و برخی گروه‌های شبه‌نظامی دیگر در این اواخر علیه دولت پاکستان عملیات نظامی انجام می‌دهند، می‌تواند یک تهدید دیگر برای اجرای این پروژه باشد.

۵. توپوگرافی مسیر پروژه: براساس سروی مقدماتی، این پروژه قرار است از مناطق کوهستانی و دره‌های صعب‌العبور بگذرد، اما از نظر تخنیکی معمولاً مسیر خط آهن باید از توپوگرافی هموار بگذرد تا شیب یا میل کم بوده و از قوس‌های کوچک جلوگیری شود. از این رو، از نظر تخنیکی چنین مسیر، تطبیق پروژه را در قسمت تعیین قوس‌ها میل یا شیب با مشکل مواجه می‌کند. همچنان پروژه از مناطقی با آب‌وهوای خشک عبور می‌کند که در فصل سرما و برف‌باری تطبیق و بهره‌برداری و انتقالات آن را با مشکل مواجه می‌کند.

۶. نبود مواد ساختمانی: بنا بر شرایطی که در افغانستان حاکم است، شرکت‌های صنعتی کمتری در کشور فعالیت دارند و در بخش تولید مواد ساختمانی راه آهن هیچ شرکتی فعال نیست. بنابراین، نیاز است که تمام مواد ساختمانی پروژه از کشورهای دیگر وارد شود. این مساله سبب افزایش هزینه و زمان تطبیق پروژه می‌شود. در صورت تطبیق پروژه، بهترین گزینه برای تهیه مواد ساختمانی کشور اوزبیکستان است. یکی از دلایل علاقه‌مندی اوزبیکستان به این پروژه، این است که از تطبیق آن نیز مفاد زیادی را به دست خواهد آورد.

۷. تضاد منافع کشورهای منطقه: تطبیق این پروژه با منافع بعضی کشورهای منطقه در تضاد است. این احتمال وجود دارد که این کشورها نیز با اجرای پروژه مخالفت کنند. از جمله ایران که تلاش دارد خط آهن خواف - هرات را به خط آهن خیرتان - مزار شریف وصل کند. چنان‌چه با تطبیق این پروژه، صادرات ایران به افغانستان افزایش می‌یابد و کشورهای آسیای مرکزی از آن طریق می‌توانند به بندر دریایی چابهار وصل شوند. در دوران حکومت قبلی نیز یک هیات عالی‌رتبه دولت ایران برای گفت‌وگو جهت تطبیق این پروژه به کابل آمده بود.

علاوه بر این، شماری از تاجران و سکتورهای اقتصادی اوزبیکستان با اجرای پروژه افغان ترانس مخالفت کرده‌اند؛ زیرا آن‌ها نظر به شرایط فعلی که پاکستان دارد، مسیر ایران و بندر چابهار را امن‌تر و بهتر از مسیر پاکستان می‌دانند.

۸. استملاک زمین: در مسیر پروژه خط آهن افغان - ترانس زمین‌های شخصی زیادی وجود دارد که پروسه استملاک آن‌ها هم هزینه و هم زمان اجرای پروژه را افزایش می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

پروژه خط آهن افغان - ترانس با این‌که از نظر اقتصادی و تجاری برای هر سه کشور مهم است، اما بنا بر دلایل مالی، تضاد منافع و نبود ظرفیت مدیریتی و تخنیکی، تطبیق آن در وضعیت موجود، به‌ویژه حاکمیت طالبان در افغانستان، غیرممکن به نظر می‌رسد. چنان‌چه هیچ یک از سه کشور توانایی پرداخت سهم مالی‌اش را ندارد. همچنان توپوگرافی مسیر پروژه، استملاک زمین، نبود مواد ساختمانی خط آهن در داخل افغانستان، نبود ظرفیت تخنیکی و مدیریتی در افغانستان و مشکلات امنیتی به‌مراتب هزینه ساخت پروژه را افزایش می‌دهد و تطبیق آن را دشوار می‌سازد. علاوه بر این‌ها، تا زمانی که یک حکومت مشروع در افغانستان ایجاد نشود، بعید به نظر می‌رسد که منابع بزرگ مالی، از جمله بانک انکشاف آسیایی، بانک جهانی و یا کشوری حاضر شود که در ساخت این پروژه مشارکت کند.

# مردم کمتری خرید، بیشتر می فروشند



صبح، هرات

سقوط نظام جمهوری و تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، کشور را از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متاثر ساخته است. تبعات ویرانگر این سقوط را تنها شهروندان کشور تجربه می کنند. افغانستان پس از تحول سیاسی ۱۵ اگست ۲۰۲۱ میلادی دیگر خانه مشترک همه شهروندان نیست. طالبان قدرت را به طور مطلق به دست گرفته و موجی از اخراج گروهی کارکنان اداره های دولتی را آغاز کرده اند. بیشتر کارکنان اداره های دولتی اعم از زن و مرد که از وظایف اخراج می شوند، افراد متخصص و مسلکی اند که سال ها در اداره های مربوطه وظیفه اجرا کرده اند و با شیوه های بهتر کار آشنایی بیشتر دارند. بیکاری و نبود درآمد منظم بیشتر خانواده ها را به کام فقر فرو برده است. آنانی که سال های پیش با استفاده از منابع درآمدی برای خانه های خود لوازم یا وسایل خریداری کرده اند، برای مبارزه با قحطی یا هم برای پیش گرفتن راه مهاجرت به فروش وسایل و لوازم خانه اقدام می کنند. با این حال، زرگران در هرات، ولایت غربی افغانستان، از رکود بازارشان خبر می دهند و می گویند که باشندگان این ولایت کمتر برای خرید طلا و جواهر مراجعه می کنند. به گفته این زرگران، از دو سال به این سو بازار طلا در این ولایت کاهش یافته و بیشتر افراد برای فروش طلا نزد آنان مراجعه می کنند.

احمدشعیب سدیس، یکی از زرگران در جاده لیلای ولایت هرات است که به گفته خودش، از نزدیک به ۳۰ سال به این سو در این مکان دکان زرگری دارد. او در صحبت با روزنامه صبح می گوید که پس از سقوط نظام جمهوری بازار طلا فروشی از رونق افتاده است و حتی در هفته ها کسی برای خرید طلا به دکان های او مراجعه نمی کند. آقای سدیس می افزاید: «هیچ کسی برای خرید طلا نمی آید. در همین ماه در دو هفته کسی برای خرید طلا به دکان ما نیامده است. ۳۰ سال می شود که دکان دار هستم، اما هیچ گاهی شاهد چنین وضعیت بد نبوده ام.»

احمدشعیب وضعیت کنونی زرگران را نگران کننده می خواند و علاوه می کند که زرگران نمی توانند مصارف دکان های شان را از طریق این کسب پیدا کنند. این طلافروشان اضافه می کند که اگر وضعیت به همین منوال به پیش برود، مجبور می شود با شغل سی ساله اش خداحافظی کند: «همین شغل

را که انتخاب کرده ایم، حداقل باید مصارف خود را نیز پیدا کنیم؛ اما حالا تنها این که مصارف خود ما پیدا نمی شود، گاهی مصارف دکان را نیز مجبوریم از سرمایه های که سال ها ذخیره کرده ایم، پرداخت کنیم. وضعیت زرگری ها بسیار خراب است. چند ماه دیگر هم صبر می کنم، اگر در بازار تغییراتی نیامد، مجبورم دکان طلا فروشی را به هم زوم.»

زرگران در کنار این که از کساد بازار طلا خبر می دهند، خاطرنشان می سازند که بیشتر افراد این روزها برای فروش طلا و زیورات خود به دکان های آنان مراجعه می کنند.

فریدون، یکی دیگر از زرگران در جاده لیلای است. او می گوید که روزانه تا ۱۰ مشتری برای فروش طلا به دکان او مراجعه می کنند. این زرگر اضافه می کند که بیشتر افراد از روی ناداری و نبود درآمد منظم حاضر می شوند زیورات خود را با متقبل شدن زبان بفروشند. او می افزاید: «همین جا می بینم کسانی که برای فروش طلاهای خود به دکان می آیند، کاغذ خریدشان را که می بینم، دو سال بیشتر از وقت خرید نگذشته که دوباره به فروش می رسانند. اکثریت فروشندگان هم می گویند که از مجبورت به فروش طلاهای خود روی آورده اند.»

فقر اقتصادی، نبود درآمد منظم و بیکاری از دلایل

**بیکاری و نبود درآمد منظم بیشتر خانواده ها را به کام فقر فرو برده است. آنانی که سال های پیش با استفاده از منابع درآمدی برای خانه های خود لوازم یا وسایل خریداری کرده اند، برای مبارزه با قحطی یا هم برای پیش گرفتن راه مهاجرت به فروش وسایل و لوازم خانه اقدام می کنند. با این حال، زرگران در هرات، ولایت غربی افغانستان، از رکود بازارشان خبر می دهند و می گویند که باشندگان این ولایت کمتر برای خرید طلا و جواهر مراجعه می کنند.**

اصلی فروش طلا در بازارهای هرات شمرده می شود. کسانی که برای فروش طلا به زرگری ها مراجعه می کنند، خاطرنشان می سازند که بیکاری اعضای خانواده و نبود درآمد سبب شده تا آنان به فروش طلاهای خود اقدام کنند.

لیلا برای فروش زیوراتش به بازار زرگران هرات آمده است. او که از روی ناچاری پس از دو سال اقدام به فروش زیوراتش کرده است، می گوید که شوهرش پس از تسلط طالبان بر کشور وظیفه خود را از دست داده است و دیگر منبع درآمدی ندارند. لیلا می افزاید که نزدیک به دو سال از بیکاری شوهرش می گذرد و خودش نیز بیکار است. این خانم علاوه می کند که یک مقدار پول نقد که ذخیره کرده بود را نیز در همین دو سال گذشته مصرف کرده اند و حالا چاره دیگری برای شان باقی نمانده، به جز این که زیورات و یا وسایل خانه را به فروش برسانند. لیلا توضیح می دهد: «شوهرم قاضی محکمه بود. طالبان که آمدند، او را از وظیفه اخراج کردند و نزدیک به دو سال می شود که بیکار است. پول و سرمایه ای که داشتیم، در همین دو سال بیکاری مصرف شد. شوهرم با این که به ده ها موبسه برای کار ثبت نام کرده و سی وی داده، اما به کار استخدام نشده است. حالا مجبور شده ام طلاهای خود را بفروشم و یک طرف برویم.»

این باشندگان هرات همچنان می گویند که زیوراتش را برای تأمین مخارج سفر به فروش می رسانند. از سخنانش چنین برمی آید که قصد دارند به سوی ایران سفر کنند. ظاهراً دیده می شود که شوهرش امید به زنده گی در افغانستان را باخته است؛ زیرا او در نظام جمهوری به عنوان قاضی وظیفه اجرا می کرد و طالبان همه قاضیان دوره جمهوری را از وظیفه برکنار کرده اند و قصد ندارند آن ها را دوباره به وظیفه بگمارند. لیلا در این باره می گوید: «شوهرم با این که شرایط استخدام در موسسه هایی که بست های شان را به اعلام می گذارند را دارد، اما به خاطر سابقه عضویت در نظام قضایی حکومت پیشین او را به کار نمی گیرند. از این که دو سال می شود بیکار است و داروندار ما هم مصرف شده، دیگر با این شرایط نمی توانیم در کشور بمانیم.»

ترک کشور یگانه دلیلی نیست که فروشندگان زیورات، به فروش طلاهای خود اقدام می کنند، بلکه زرگران توضیح می دهند که بیشتر فروشندگان برای فراهم سازی مواد خوراکی این کار را می کنند. زبیده، یکی از زنانی است که برای فروش طلا به

بازار زرگران در هرات آمده است. او می گوید که نبود پول نقد برای تحویلی هزینه برق سبب شده که به فروش طلاهایش اقدام کند. زبیده می گوید که یک سال می شود شوهر و پسر جوانش بیکارند. به گفته او، نبود مواد خوراکی در خانه و نبود پول نقد برای پرداخت هزینه برق، او را واداشته تا طلاهایش را بفروشد و با خانواده اش شانه بدهد. این خانم هراتی می افزاید: «یک سال می شود که شوهر و پسر بیکار شده اند. آرد، روغن و برنج هم در خانه نداشتیم و پول برق هم تقریباً ۱۰ هزار آمده است. مجبور شده ام طلاهایم را بفروشم تا حداقل چند روزی زنده گی ما بچلد.»

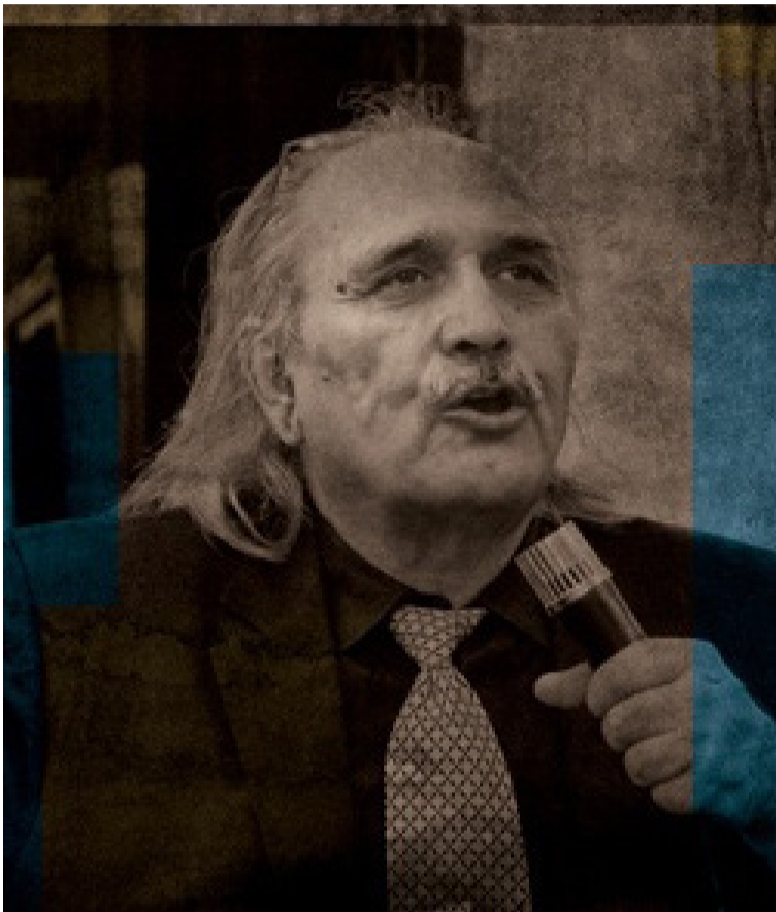
با این حال، آگاهان امور اقتصادی بیکاری و نبود درآمد منظم خانواده ها را علت اصلی فروش زیورات زنان خانواده ها در هرات می خوانند و می گویند که شهروندان مجبورند برای مقابله با فقر، به فروش طلا و وسایل غیر ضروری خانه اقدام کنند.

یکی از استادان دانشکده اقتصاد دانشگاه هرات که نمی خواهد نامش در این گزارش درج شود، به روزنامه صبح می گوید که در سال گذشته اکثریت مطلق خانواده ها به دلیل فقر مجبور شده اند پول پس انداز چندین ساله خود را مصرف کنند و خانواده هایی که پس انداز نداشتند، به فروش لوازم خانه و حتا اعضای بدن خود اقدام کرده اند. این استاد دانشگاه می افزاید: «از آغاز حاکمیت طالبان قشر عظیم جامعه بیکار شده، قدرت خرید مردم کاهش یافته و شهروندان اگر طلا دارند و یا وسایل گران بها دارند، مجبورند بفروش برسانند تا زنده بمانند یا هم اعضای بدن و حتا در جامعه کنونی مردم حاضر شده اند فرزندان خود را به دلیل قحطی به فروش برسانند.» این آگاه امور اقتصادی وضعیت کنونی در کشور را نگران کننده توصیف می کند و خاطرنشان می سازد که دوام وضعیت اقتصادی موجود می تواند جامعه را به قحطی فرو ببرد. شهروندان کشور در حالی به فروش زیورات و وسایل خانه روی آورده اند که با تسلط طالبان بر کشور، فقر به گونه بی پیشینه بر زنده گی آنان سایه افکنده است. خانواده های زیادی در زمستان اسما با گرسنه گی و نبود مواد سوخت برای گرمایش خانه ها، مواجه بوده اند. در تازه ترین گزارش دفتر هماهنگ کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوجا) آمده است که خانواده ها در افغانستان روی تیغ چاقو زنده گی می کنند. این گزارش روز چهارشنبه، ۳ حوت، نشر شده و از افزایش شش برابری بدهی های خانواده های افغان خبر داده است. بر بنیاد ارزیابی های شاخه افغانستان دفتر هماهنگ کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد، بدهی های خانواده های افغان در پی تشدید فقر به گونه میانگین از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ میلادی از ۱۱۴ دالر به ۶۸۷ دالر افزایش یافته است. اوجا تأکید کرده است که نمی تواند این وضعیت را نادیده بگیرد.

تنها دفتر هماهنگ کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد نیست که درباره افزایش فقر و گرسنه گی در افغانستان نگرانی خود را ابراز داشته، بلکه سازمان هایی که در بخش بشردوستانه ملل متحد فعالیت دارند نیز همواره از خطر فقر و گرسنه گی شدید در افغانستان هشدار داده و گفته اند که اگر به وضعیت موجود رسیده گی نشود، بحران گرسنه گی قابل جبران نخواهد بود. ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل، نیز در تازه ترین گزارش خود فقر و نبود زمینه اشتغال را عوامل اساسی مهاجرت های داخلی دانسته است.

با این همه، طالبان تاکنون از برنامه خاصی برای مبارزه با فقر و گرسنه گی، رونمایی نکرده اند. بیکاری که عامل بنیادی فقر به شمار می رود، نیز در بیش از یک سال و شش ماه گذشته افزایش یافته است. رامز الاکبروف، معاون دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) گفته است که در هژده ماه گذشته حدود ۷۰۰ هزار شغل در این کشور از بین رفته است. بیشتر این شغل ها متکی بر فعالیت سازمان ها و شرکت های لوجستیکی بوده که در بخش های نظامی و ملکی خدمات عرضه می کردند. وزارت اقتصاد طالبان اما بدون تأیید از بین رفتن ۷۰۰ هزار شغل، توقف پروژه های جامعه جهانی را عامل اصلی افزایش بیکاری در افغانستان عنوان کرده است.

# بت‌سازی‌های ذهنی



پرتو نادری

باری از پیرمرد پرسیدم: چگونه ممکن است که انسان خود بتی بسازد و بعد آن را چنان خدایی پرستش کند و در برابر او اراده‌ای نداشته باشد؟ گفت: تا جهان بوده، همیشه چنین بوده است، اما این را هم بدان که دو گونه بت وجود دارد؛ یکی بت‌هایی که هستی فزیکی دارند و ما آنان را می‌بینیم و یکی هم بت‌های ذهنی است که در ظاهر دیده نمی‌شوند، برای آن‌که در ذهن انسان‌ها جای دارند.

آنانی که در ذهن خود بت‌سازی می‌کنند و بت‌های ذهنی خود را حقیقت هستی و زنده‌گی می‌انگارند، در حقیقت بت‌پرستان روی زمین‌اند. انسان ابتدایی به رازنکی پدیده‌های طبیعت نمی‌فهمید. چنین بود که تا خورشید در افق می‌تابید، برای آن خدایی می‌ساخت به نام خدای خورشید. برای ماه و ستاره‌گان نیز خدایانی می‌ساخت. فصل‌های سال، باروری درختان و توفان دریاها و... هر کدام در ذهن انسان ابتدایی با خدای جداگانه‌ای رنگ می‌یافت.

ذهن عقب‌مانده انسان نخستین به شمار هر پدیده طبیعت خدایی می‌ساخت. در روزگار ما نیز ساده‌اندیشانی وجود دارند که پیوسته از این و آن کس بتی می‌سازند. بعد به بیماری سنگگ ذهن گرفتار می‌آیند و هر سخنی که با عبا و قبای بت‌های ذهنی آنان جور درنیاید، به پرخاش برمی‌خیزند. شاید بتوان گفت که بخش بزرگی از جنگ‌های انسان‌ها در روی زمین، جنگ بت‌های ذهنی آنان بوده است.

در این میان شماری در جریان معرفت و شناخت هستی به این کام‌گاری می‌رسند تا بت‌های ذهنی خود را بشکنند؛ اما این امر کار آسانی نیست؛ چون باید همه باورهای تنه‌شین شده چندین‌ساله و حتا تاریخی خود را زیر و رو کنند.

پیرمرد در حالی که پیاله چایش را بالا کرده بود تا بنوشد، از من پرسید: ناظم حکمت را می‌شناسی؟ گفتم: فکر نمی‌کنم که دیده باشمش.

پیرمرد زد به خنده و گفت: می‌دانم که او را هرگز ندیده‌ای. یکی از شاعران نامدار ترکیه بود. هدفم از شناختن این است که از او چیز خوانده‌ای؟

جز سکوت چاره‌ای نداشتم.

پیرمرد گفت: او در یکی از شعرهایش بت‌شکنی دارد و بعد با صدای بلند و شیوه دل‌پذیری خواند:

\*\*\*

از میان جنگل بت‌ها گذشتم

همه‌گی را با تبر سرنگون کردم

کار چندان آسانی نبود

باورهایم را دوباره زیر و رو کردم

بیشترشان هنوز پاک بود، شکر خدا

هرگز چنین زلال نبوده‌ام

چنین رها

تاریکی عظیم دارد سر می‌رسد

حالا می‌توانم به تماشای دنیا بنشینم

آرام و سبک‌بال

\*\*\*

می‌بینی که شکستن بت‌ها، ذهن شاعر را روشن و زلال می‌سازد و تاریکی از ذهن او دور می‌شود. می‌خواهد با سبک‌بالی به تماشای جهان برود؛ یعنی جهان را با ذهن روشن بشناسد، نه با ذهن انباشته از اندیشه‌های سنگ‌شده و تاریک. البته هر کسی به چنین جایگاهی نمی‌رسد؛ برای آن‌که هر کسی به این معرفت و شهامت نمی‌رسد تا بت‌های ذهنی خود را بشکند.

چنین افرادی با بت‌های ذهنی خود از جهان می‌روند. چنین افرادی در حالی که سجده بر زمین می‌گذارند، بت‌هایی در ذهن دارند. این بت‌های ذهنی می‌تواند همان منیت خودشان باشد، می‌تواند یک تعصب ایدئولوژیک یا تعصب قومی، مذهبی و زبانی باشد، می‌تواند یک نادانی نهادینه‌شده باشد که آن نادانی نهادینه را حقیقت می‌انگارد، می‌تواند فردی باشد از همان قلدران بی‌معرفت که پیوسته

دزدیده، تاراج کرده و خون ریخته و حال شده است فلان ابن فلان! این بت‌های ذهنی می‌تواند یک وزیر یا یک رهبر تفنگ‌دار گویا سیاسی باشد یا هم یکی از مهره‌های مافیایی یا استخباراتی. این بت‌های ذهنی در بیرون ذهن آنان مصداق‌های زیادی دارد.

پیرمرد، در ادامه گپ‌هایش گفت: مثالی می‌آورم. این بت‌های ذهنی به مانند ماین‌هایی‌اند که در ذهن کسی کاری گذاری شده و هر آن خطر انفجار آن وجود دارد. اگر ماین کارگذاری شده در زمین، امنیت و زندگی انسان‌ها را از بین می‌برد و آنان را معلول می‌سازد، ماین‌های ذهنی امنیت اندیشه و تفکر را از میان برمی‌دارد و نیروی اندیشه را در انسان و در جامعه نابود می‌سازد. این بت‌های ذهنی در حقیقت انتحاری‌های ذهنی‌اند.

چه‌قدر بدبختیم که سال‌های دراز بت می‌سازیم و اگر هم به شناخت بت‌ها رسیدم و خواستیم آن‌ها را از میان برداریم، این امر خود نیز سال‌های درازی را در بر می‌گیرد. چه‌قدر بدبختیم که گاهی این بت‌های ذهنی را حقیقتی می‌انگاریم تغییرناپذیر. چنین است که زنده‌گی ما گاهی ادامه همان بت‌سازی‌ها و بت‌شکستن‌های ما است. ادامه این بت‌سازی‌ها و پاس‌داری جزم‌گرایانه از بت‌های ذهنی چنان است که گویی زنده‌گی ما را به مانند مشتی کاه به باد می‌دهد.

نیایش بت‌های ذهنی خود همان آلوده‌گی ذهنی است که گشنده معرفت و کشنده حقیقت است. برای آن‌که هرگز نمی‌توان با چنین بت‌های ذهنی به شناخت حقیقت دست یافت. آنانی که نمی‌توانند به معرفت بت‌شکنی ذهنی برسند، همه‌جا در جهنم پندارهای نادرست و متعصبانه خود می‌سوزند. بت ذهنی انسان را کور و کر می‌کند؛ پرده‌ای می‌شود در برابر حقیقت. او نه حقیقت را می‌بیند و نه هم می‌تواند سخن حقیقت را بشنود.

چرا در افغانستان هر گروه نظامی و سیاسی فکر می‌کند که همه حقیقت با آن است و بس؟ دلایل را می‌دانی؟ گفتم: نه!

گفت: دلایلش به همین بت‌های ذهنی برمی‌گردد. آنان پیروان بت‌های ذهنی خودند. هر کسی تنظیم، سازمان و حزب خود را یگانه مرجع حقیقت می‌داند. چه‌قدر مردم از دست اینان به خاک و خون افتادند و این‌ها هستی مردم را تاراج و کشور را ویران

کردند، اما هنوز شهامت آن را ندارند که بپذیرند آنان نیز در بدبختی و ویرانی کشور سهیم داشته‌اند و از مردم پوزش بخواهند. هر گروه برف بام خود را بر بام دیگری می‌اندازد!

پرسیدم: مگر این‌ها هم پیروان بت‌های ذهنی خودند؟ پیرمرد گفت: بلی، اگر چنین نباشد، به حقیقت می‌رسند. اگر چنین نباشد، چرا هر گروهی با حزب و تنظیم خود چنان برخورد می‌کند که گویی برایش یک مذهب شده است و رهبر آن یک پیشوای مذهبی. چنان مقدس که گویی با پراشوت تقدس از آسمان هفتم فرود آمده است. هنوز روشن‌فکر حزبی و تنظیمی افغانستان به آن درجه از آزاداندیشی نرسیده است که بر کارکرد سازمان سیاسی خود و رهبر خود انتقادی داشته باشد. هر کدام از تنظیم، حزب سیاسی و رهبران خود، بت‌هایی در ذهن خود ساخته است و هنوز شهامت شکستن آن را ندارد. اندیشه و ایدئولوژی‌ها که باشد جای خودش!

چنین مردمی هرگز به تفکر شهروندی نمی‌رسند؛ برای آن‌که رسیدن به تفکر شهروندی، راهش از شکستن چنین بت‌های ذهنی باز می‌شود.

گاهی یک اندیشه چنان در ذهن مردم نهادینه می‌شود که خود به یک بت ذهنی بدل می‌گردد.

چه سخن‌های بیهوده‌ای تکرار می‌شود که ما این یا آن قدرت جهان را شکست داده‌ایم. نه جانم، هر قدرتی آمد، زد و خردوخمیرمان کرد و بعد توپ را از میدانی به میدان دیگری انداخت و رفت. بعد این ملت پنج‌هزارساله را می‌بینیم که هنوز قرص ماه را قرص نان می‌بیند!

فلان ابن فلان فرشته بود و دیگران شیطان‌اند و رهبر ما بنده برگزیده خدا است، خط قرمز ما است، عقل کل است و دیگران شیطان و نادان!

بفرمایید بگویید آن تفکر بزرگ سیاسی - اجتماعی را این‌همه رهبر تنظیم و حزب‌های سیاسی و گویا نهاد‌های مدنی برای به‌زیستی مردم و آینده‌گان نهادینه کرده‌اند، کجا است؟

پرسیدم: پیرمرد، بدون تردید در زنده‌گی با کسانی برخورد‌های که می‌اندیشند همه حقیقت همان چیزی است که آنان در ذهن خود دارند و بیرون از اندیشه‌های آنان حقیقتی وجود ندارد. در این باره چه می‌گویید؟

پیرمرد گفت: چینی‌ها ضرب‌المثلی دارند که می‌گوید: «بقه‌ای که در چاه می‌افتد، فکر می‌کند که آسمان همان دهن چاه است.» حال می‌گویم اگر تو در چاهی بیفتی، آسمان را چگونه می‌بینی؟ گفتم: آسمان برای من هم همان دهن چاه می‌شود؛ چون بیشتر از دهن چاه بخش‌های دیگر آسمان را نمی‌بینم.

پیرمرد گفت: اگر از چاه بیرون شوی چه؟ گفتم: بخش‌های بیشتر آسمان را می‌بینم.

پیرمرد گفت: در این صورت هم، همه آسمان را دیده نمی‌توانی. منتها این‌جا آسمانت فراخ‌تر از آسمان درون چاه است. از این‌جا می‌توان گفت که همه آسمان را همه انسان‌ها دیده می‌توانند، نه یک تن. همان‌گونه که فرزانه‌ای باری گفته بود: «همه چیز را همه‌گان می‌دانند و همه‌گان هنوز به دنیا نیامده‌اند.»

حال کسی یا گروهی که در چاه تعصب خود افتاده و می‌پندارد که عقیده و باور آنان یگانه راه رسیدن به حقیقت است و به تعبیر مولانا گویا به نردبان آسمان حقایق رسیده‌اند، بدانیم که چنین کسانی شایسته‌گی زیستن در جامعه مدنی را ندارند. چنین کسانی شهروند نیستند، بلکه گروهی‌اند خودرای و خودکامه و بیهوده می‌انگارند که گویا بر بلندترین بام حقیقت هستی خیمه افراشته‌اند.

هیچ گفتمانی با چنین کسانی به نتیجه نمی‌رسد، مگر زمانی که از چاه تعصب خود بیرون آیند. چنین چیزی هم برای هر کسی میسر نمی‌شود. بسیاری در همان چاه تعصب خود می‌میرند؛ یعنی همه حقیقت هستی را فدای بت‌های ذهنی خود می‌سازند.

هیچ عقیده‌ای دربرگیرنده کلیت حقیقت نیست، بلکه هر عقیده‌ای پاره‌ای از حقیقت را با خود دارد. بناءً آزادی بیان، زمینه‌گفتمان اندیشه‌ها را پدید می‌آورد و آن‌ها را چنان آینه‌هایی در برابر هم می‌گذارد تا ما دریابیم که حقیقت تا بی‌نهایت جاری است و انسان هیچ‌گاهی به حقیقت مطلق نمی‌تواند دست یابد. چنین است که انسان در پهلوی دانایی همیشه نادان نیز می‌ماند!

گفتم: پیرمرد، از گفته‌های تو من ناامید شدم. گفت: چرا؟

گفتم: برای آن‌که انسان‌ها نمی‌توانند یک‌سان بیندیشند.

گفت: اگر چنین نباشیم، انسان نیستیم. گونه‌گونی اندیشه‌ها در ذات خود امر بدی نیست، خوب هم است. به شمار همه انسان‌های جهان رنگارنگی اندیشه، حس و عاطفه وجود دارد. اندیشه یک واژه است؛ اما هزاران هزار جلوه در مفهوم خود دارد.

آنانی که می‌اندیشند گویا بر همه حقیقت هستی مسلط‌اند و می‌پندارند که همه حقیقت جهان در اندیشه آنان، در آیین آنان، در فرهنگ آنان و در سیاست آنان بازتاب یافته است، یا خرد بیمار دارند، یا هم خرد خود را در یکی از مغاره‌های تاریک تاریخ فراموش کرده‌اند.

انسان‌ها رمه گوسفندان نیستند که اگر یکی به سویی گریخت، همه به آن سوی گریزند. یکی از جوی‌باری خیز برداشت، همه‌گان از آن جوی‌بار خیز بردارند؛ برای آن‌که رمه گوسفندان اختلاف

اندیشه ندارند. شکوه جامعه انسانی در گوناگون‌گونی اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها، زبان‌ها و آیین‌های آن است. شکوه‌مندتر این‌که جامعه انسان‌مدار این‌همه گوناگونی اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها را می‌پذیرد و این‌همه اندیشه و فرهنگ در یک جامعه انسان‌مدار یعنی با هم هم‌زیستی دارند. جامعه انسان‌مدار یعنی پذیرفتن گوناگونی اندیشه‌ها و فرهنگ‌های گوناگون.

جامعه انسانی یعنی من هم هستم، با زبانم، با تاریخم، با فرهنگم، با اندیشه‌ام با دیدگاه‌ها و عاطفه‌هایم!

## بت‌سازی‌های...

حال همه را نابود می‌کنی. اگر می‌توانی بفرمای به گفته قدیمی‌ها: این گز و این میدان! تو که به از بین بردن من، تاریخ و فرهنگ من کمر بسته‌ای، بدان که در آن صورت خود را نیز به مفهوم انسان نابود می‌کنی!

آن‌که انسان و فرهنگ دیگری را در کنار خود نمی‌تواند تحمل کند، باید بداند که هنوز از دیوار غریزه گامی به این‌سوی نگذاشته است. هنوز یک انسان غریزی است. از انسان غریزی تا انسان مدنی با آن ویژه‌گی‌های برتر انسانی که دارد، فاصله بسیار است. انسان غریزی، انسان مدنی نیست. انسانی غریزی، هنوز از مرز پستان‌داران دیگر، این‌سوتر گامی نگذاشته است!

گفتم: پیرمرد، گپ‌های امروز تو مرا به یاد آن شاگرد معلم بیولوژی انداخت. گفت: او چگونه شاگردی بود؟ گفتم: اگر بگذاری این بار من روایتی برای تو داشته باشم.

گفت: بگو! مرا ببخش که من همیشه حکایت کرده‌ام و تو گوش داده‌ای، حال سراپا گوشم. هر چه می‌خواهد دل تنگت بگویی!

گفتم: روزگاری یکی از آموزگاران مضمون بیولوژی، شاگردی داشت که هر بار آموزگار از او در پیوند به خاصیت‌های جانوری چیزی می‌پرسید، شاگرد درباره «کیک» چیزهایی می‌گفت. به‌گونه مثال استاد می‌پرسید: عقاب چگونه پرندای است؟ شاگرد می‌گفت: عقاب پرندۀ گوشت‌خواری است که بدنش از پرها پوشیده شده است و کیک در میان پرهای او جای می‌گیرد و از خون عقاب تغذیه می‌کند و بعد هم‌اش سخن از کیک بود.

روز دیگر استاد می‌پرسید که گوسفند چگونه جانوری است؟ شاگرد می‌گفت: گوسفند از شمار پستان‌داران است و بدن او از پشم پوشیده شده است و کیک در میان پشم‌های گوسفند جای می‌گیرد و بعد چها و چه‌ها که هم‌اش از کیک بود.

استاد درمانده شده بود که با این شاگرد کیک‌شناس خود چه کند! به فکرش رسید درباره جانوری از او بپرسد که بر بدن خود پشم و پر نداشته باشد. چنان بود که روزی از شاگرد پرسید: ماهی چگونه زنده‌جانی است؟ شاگرد گفت: ماهی در دریا زنده‌گی می‌کند و بدنش پوشیده از فلس است!

آموزگار گفت: آفرین بچیم، دیگر چه؟ شاگرد گفت: اگر به جای فلس بدن ماهی پوشیده از پشم می‌بود، آن وقت کیک در میان پشم‌های او جای می‌گرفت و کیک چنین است و چنان است. استاد بی‌چاره شده بود، فریاد زد که بس است، این همه از کیک مگوی!

تا به این‌جا رسیدم، دیدم که پیرمرد آرام‌آرام می‌خندد، تا این‌که خنده‌های بلند شد و گفت چه زیبا روایت کردی. به‌راستی که چنین کسانی یا همان بقه افتاده در چاه‌اند یا هم همان شاگرد چالاک که همه راز جهان را در هستی یک کیک می‌بیند.

گفتم: پیرمرد، پرسشی دیگر هم دارم؛ اما حس می‌کنم خیلی خسته شده‌ای. می‌خواهم بگذارم به دیدار دیگر.

مانند آن بود که پیرمرد چنین چیزی را از خدا می‌خواست: گفت: ها، ها، باشد به دیدار دیگر، حال بگذار چیزی بنوشم.



۸صبح، کابل: ریچارد بنت، گزارش‌گر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد برای افغانستان، گفته است که سیاست عمدی و حساب‌شده

## بنت: سیاست طالبان محو زنان و دختران از زنده‌گی عمومی است

طالبان، انکار حقوق زنان و دختران و محو آن‌ها از زنده‌گی عمومی است.

ریچارد بنت روز دوشنبه، ۱۵ حوت، با نشر توییتی نگاشته است که هیچ کشوری نمی‌تواند با نیمی از جمعیت بزرگ‌سالش که عملاً در خانه زندانی هستند، کار کند.

وی نقش زنان کارمند در کم‌رسانی را حیاتی خوانده و از طالبان خواسته است که به‌گونه فوری ممنوعیت کار زنان برای سازمان‌های غیردولتی را لغو کنند.

او تصریح کرده است: «بسیاری از افغان‌ها از من می‌خواهند که اجازه ندهم موارد غیرقابل قبول به یک امر عادی تبدیل شود و همچنان بر احترام به استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر پافشاری

کنم.» به باور وی، هزاره‌ها، شیعیان، سیک‌ها همچنان در برابر تبعیض‌های سیستماتیک و گسترده آسیب‌پذیر هستند و برای حفاظت از جوامع هدف، باید اقدام‌های بیشتری انجام شود. بنت گفته است که بازداشت فعالان، باعث ایجاد ترس در جامعه می‌شود و تاثیر وحشت‌ناکی بر بهره‌مندی کلی از آزادی‌های اساسی دارد. گفتنی است که بیش از دو ماه می‌شود که طالبان کار کردن دختران و زنان را در موسسه‌های داخلی و خارجی ممنوع قرار داده‌اند. طالبان پس از تسط بر افغانستان، همواره دست به بازداشت فعالان سیاسی، اجتماعی و نظامیان حکومت پیشین زده‌اند.

## کالامارد: وضعیت حقوق بشر در افغانستان به سرعت رو به وخامت است



۸صبح، کابل: سازمان عفو بین‌الملل گفته است

که در ماه‌های اخیر، طالبان به نقض گسترده حقوق بشر متهم شده‌اند و سازمان ملل باید برای پی‌گیری این موارد یک مکانیسم جدید تحقیقی مستقل با تمرکز بر حفظ مدارک و شواهد ایجاد کند.

اگنس کالامارد، دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل، روز دوشنبه، ۱۵ حوت، در بیانیه‌ای گفته است: «وضعیت حقوق بشر در افغانستان به سرعت رو به وخامت است و تجاوزات بی‌امان طالبان هر روز ادامه دارد.»

به گفته او، اخیراً افرادی که علناً از قوانین سوءاستفاده‌کننده طالبان انتقاد می‌کنند، بدون هیچ دلیلی دستگیر شده‌اند، در حالی که سرکوب خفقان‌آور زنان و دختران و اعدام‌های هدفمند مردم هزاره همچنان ادامه دارد.

عفو بین‌الملل گفته است که شواهد تازه تأیید شده این سازمان جنایات طالبان علیه غیرنظامیان در پنجشیر، از جمله آدم‌ربایی به اتهام ارتباط با

«یا همه یا هیچ کس»؛

## دختران دانشجو از دانشجویان پسر خواستند تا دانشگاه‌ها را تحریم کنند

«یا همه یا هیچ کس» را به یاد دارند و منتظرند تا جهان ایستادن دانشجویان پسر را در کنار عدالت و آزادی ببینند. دانشجویان دختر به هم‌صنفان پسرشان گفته‌اند: «به طالبان درس بدهید که وقتی یک ملت تصمیم بگیرد می‌تواند به ساده‌گی ساختارهای یک گروه تروریستی را با فروپاشی روبه‌رو کند.» وزارت تحصیلات عالی طالبان اواسط هفته گذشته تاریخ آغاز سال تحصیلی جدید را اعلام کرد.

در مکتوب نشر شده از سوی این وزارت، تاریخی برای بازگشت دختران به دانشگاه‌ها مشخص نشده بود.

طالبان حدود چهار ماه پیش درب دانشگاه‌ها را به‌روی دختران بستند؛ اقدامی که اعتراضات گسترده دانشجویی را در پی داشت.



دختران دانشجو همچنان گفته‌اند که محروم کردن دختران از تحصیل برخلاف آرمان‌های مشترک زنان و مردان برای خودکفایی افغانستان است و باید در مقابل آن ایستاد.

در نامه همچنان گفته شده است که آنان وعده دانشجویان پسر در جریان اعتراضات و نیز شعار

۸صبح، کابل: با آغاز سال تحصیلی جدید، قرار است تنها دانشجویان پسر طبق اعلام وزارت تحصیلات عالی طالبان به دانشگاه‌ها بروند. با این حال، شماری از دانشجویان دختر در نامه‌ای از دانشجویان پسر خواستند تا دانشگاه‌ها را تحریم کنند.

بربنیاد اعلام وزارت تحصیلات عالی طالبان، روز دوشنبه، ۱۵ حوت، نخستین روز آغاز سال تحصیلی جدید در ولایت‌های سردسیر است.

در نامه سرگشاده دانشجویان محروم شده از تحصیل خطاب به دانشجویان پسر آمده است: «میلیون‌ها دختر در سراسر افغانستان با چشمان اشکبار به سوی ایستاده‌گی شما خواهند نگرست و شجاعت و همراهی شما را تحسین خواهند کرد. ما بالای شما صدا می‌کنیم که دانشگاه‌ها را تحریم کنید.»

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر

خبرنگار ارشد: امین کاوه

ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی: رضا مرادی

پذیرش مقالات: Info@8am.media

پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹

نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

۸صبح

روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل  
مدیرمسئول: محمد محق  
سرمدیر: حسیب بهش  
مسئول افغانستان: شاحسین رسولی  
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی  
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq  
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media  
Youtube.com/Hashtesubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.media\_official  
www.8am.media

۸صبح، بادغیس: منابع محلی در بادغیس می‌گویند که در نتیجه درگیری مسلحانه میان کوچی‌ها بر سر علفچر در این ولایت، یک زن و یک کودک کشته شده‌اند. منابع محلی به روزنامه ۸صبح می‌گویند که این رویداد روز یکشنبه، ۱۴ حوت، در ولسوالی غورماچ ولایت بادغیس رخ داده است. افزون بر کشته شدن یک زن و یک کودک در این درگیری، دو تن دیگر زخمی شده‌اند. طالبان در بادغیس با تأیید درگیری میان کوچی‌ها، از بازداشت سه تن در پیوند به این رویداد خبر داده‌اند. با شروع فصل بهار، کوچی‌ها به خاطر تغذیه مواشی شان به سوی علفچرها می‌روند. درگیری بر سر تقسیم علفچرها در گذشته نیز از خانواده‌های کوچی قربانی گرفته است.

## پنجمین کنفرانس کشورهای کمتر توسعه یافته؛ گوترش خواستار کمک ۱۰۰ میلیارد دلاری شد

پروژه‌ها، اولویت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها قرار گیرند.» به گفته گوترش، کشورهای باید با اختصاص ۰.۱۵ تا ۰.۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی، به تعهداتشان در قبال کشورهای کمتر توسعه یافته عمل کنند. در این نشست نماینده‌ای از افغانستان حضور نداشت. دوحه قطر از ۵ تا ۹ مارچ میزبان پنجمین کنفرانس کشورهای کمتر توسعه یافته است که با حضور شش هزار تن از سران و نمایندگان کشورهای برگزار شده است.

آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد، در پنجمین کنفرانس کشورهای کمتر توسعه یافته در دوحه قطر، خواستار کمک ۱۰۰ میلیارد دلاری به این کشورها شده است. خبرگزاری آناتولی گزارش داده که دبیر کل سازمان ملل روز یکشنبه، ۵ مارچ، در این نشست گفته است: «زمان پایان دادن به دوران وعده‌های میان‌خالی فرا رسیده است. حالا زمان توجه کافی به نیازهای کشورهای کمتر توسعه یافته است که باید مرکز



## در حمله انتحاری در پاکستان ۹ پولیس کشته شدند

هنوز جزئیات بیشتری در مورد این حمله انتحاری نشر نشده است. حملات بر نظامیان پاکستانی اخیراً افزایش یافته است. یک ماه پیش نیز در حمله انتحاری در مسجدی در مرکز پولیس پشاور، نزدیک به ۱۰۰ تن کشته و زخمی شدند. حکومت پاکستان تی‌تی‌پی را به دست داشتن در این حمله تروریستی متهم کرده است.

رسانه‌های بین‌المللی از کشته شدن ۹ نظامی پاکستان در نتیجه یک حمله انتحاری خبر داده‌اند. رویترز به نقل از محمودخان نوتی‌زی، سخنگوی پولیس پاکستان، گزارش داده که این حمله انتحاری روز دوشنبه، ۶ مارچ، در جنوب پاکستان رخ داده است. نوتی‌زی گفته که در این حمله انتحاری ۱۵ تن دیگر زخمی شده‌اند.



## رییس واگنز در صورت عقب‌نشینی از باخموت، خط مقدم نبرد می‌شکند

در حالی که آتش نبرد میان نظامیان اوکراینی و نیروهای وفادار به روسیه در باخموت زبانه می‌کشد، یوگنی پریگوزین، رییس گروه جنگی واگنز، به تازه‌گی هشدار داده که در صورت عقب‌نشینی از این ساحه، خط مقدم نبرد خواهد شکست. رویترز روز دوشنبه، ۶ مارچ، گزارش داده که یوگنی پریگوزین این هشدار را در یک پیام ویدیویی در تلگرام بیان کرده است. پریگوزین این هشدار را در پی کوتاهی مسکو در ارسال مهمات وعده داده شده ابراز کرده و گفته است که در صورت عقب‌نشینی از باخموت، تمام جبهه جنگ روسیه فرو خواهد ریخت. رییس واگنز گفته که در حال حاضر در صدد دانستن این هستند تا بدانند که مهمات وعده داده شده در نتیجه بروکراسی به آنان نرسیده و یا خیانتی در کار بوده است. این در حالی است که رییس گروه واگنز در آخر هفته گذشته از محاصره کامل باخموت توسط نیروهایش خبر داده بود.

## ایران در هفته جاری یک هزار و ۹۰۰ زندانی افغان را به طالبان تحویل می‌دهد

۸صبح، هرات: به دنبال تحویل‌دهی ۵۶۰ زندانی افغان توسط حکومت ایران به طالبان، این کشور در هفته جاری یک هزار و ۹۰۰ زندانی دیگر افغان را به طالبان تحویل خواهد داد. مقام‌های طالبان روز دوشنبه، ۱۵ حوت، هنگام تحویل گرفتن ۵۶۰ زندانی از حکومت ایران در مرز اسلام‌قلعه، این خبر را بیان کرده‌اند. شیراحمد عمار، رییس ارتباط خارجه طالبان در هرات می‌گوید که از میان این تعداد محبوس، ۴۰۰ تن آنان متهم به اعدام هستند. او افزوده که بالای بیشتر این محبوسان از ۱۰ تا ۳۶ سال قید بریده شده است. از جانبی، مقام‌های طالبان همچنان گفته‌اند که براساس آمارهای سفارت این گروه در ایران، هم اکنون بیش از شش هزار تن از شهروندان افغان در زندان‌های ایران زندانی‌اند. این در حالی است که پس از تحویل‌دهی سفارت افغانستان در تهران به گروه طالبان، حکومت ایران روز دوشنبه، ۱۵ حوت، ۵۶۰ زندانی را به گروه طالبان تسلیم کرد.

## طالبان یک نظامی پیشین را در قندهار کشتند

۸صبح، قندهار: منابع محلی در قندهار می‌گویند که طالبان یک نظامی حکومت پیشین را در این ولایت تیرباران کرده‌اند. به گفته منابع محلی، طالبان این نظامی حکومت پیشین را که شیر محمد نام داشت، یکشنبه شب، ۱۴ حوت، از خانه‌اش در ولسوالی دند ولایت قندهار بیرون کرده و به رگبار گلوله بسته‌اند. این نظامی حکومت پیشین پس از تسلط طالبان بر افغانستان در خانه‌اش به گونه عادی زنده‌گی می‌کرد. در همین حال، یک منبع معتبر محلی در قندهار می‌گوید که طالبان یک نظامی حکومت پیشین را پس از هشت روز بازداشت در بدل ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار کلدار پاکستانی از بند آزاد کرده‌اند. برنیاد اطلاعات منابع، این نظامی حکومت پیشین قدرت‌الله نام دارد و پول رهایی او را خانواده‌اش پرداخت کرده است. طالبان در قندهار هنوز در مورد هر دو رویداد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که اداره بازرسی ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان (سیگار) سه روز پیش از افزایش پیگرد نظامیان حکومت پیشین از سوی طالبان خبر داد.

## امیتاب باچان، ستاره سرشناس بالیوود در جریان تصویربرداری فلمش زخمی شد

سینه راستش شده است. این ستاره سرشناس بالیوود گفته است که تصویربرداری فلم باید لغو شود، چون بهبودی‌اش ممکن هفته‌ها طول بکشد. پروژه کی، تازه‌ترین فلم امیتاب باچان است که با حمایت سی‌آشوبنی دات و بازیگری دیپیکا پادوکن در نقش بانوی اصلی فلم در حال تهیه بود. امیتاب باچان نقش اصلی را در این فلم بازی می‌کند.

به گزارش رسانه‌های هندی، امیتاب باچان، ستاره سرشناس سینمای هند، در پی شلیک گلوله در جریان فلم‌برداری، زخمی شده است. اندیا تودی روز دوشنبه، ۶ مارچ، گزارش داده که امیتاب باچان در ایالت حیدرآباد هند زخمی شده است. امیتاب باچان در پیامی در وبلاگ خود گفته که در حال حاضر در خانه‌اش در بمبئی بستری است. گفته می‌شود که باچان دچار پاره‌گی عضله در قفسه



## قوه قضاییه ایران شش زندانی عرب را به اعدام محکوم کرد

عدنان غیبشای و سالم موسوی اعلام کرده‌اند. بنا بر این گزارش، قوه قضاییه ایران این شش تن را به دلیل عضویت در «شاخه نظامی حرکه النضال» و «مشارکت در عملیات تروریستی» محاکمه و به اعدام محکوم کرده است. این در حالی است که هرانا، ارگان مجموعه فعالان حقوق بشر ایران، زمان بازداشت این شش زندانی را اواسط زمستان ۱۳۹۷، همزمان با گسترده‌تر شدن اعتراضات کارگری در ولایت خوزستان گزارش کرده بود. دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی ایران متهمان محکوم به اعدام در این پرونده را به «ترور» علی صالحی مجد و یونس بحری، دو عضو بسیج و الله‌صفر نظری و محمدرضا رفیعی‌نسب، فرمانده و سرباز نیروی انتظامی در بندر خمینی، متهم کرده است.

برنیاد گزارش‌ها، دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران شش زندانی عرب را که در سال ۱۳۹۷ به اتهام عضویت در «حرکه النضال العربی لتحریر احواز» بازداشت شده بودند، به اعدام محکوم کرده است.

رسانه‌های ایرانی روز دوشنبه، ۶ مارچ، به نقل از مرکز رسانه‌های قوه قضاییه ایران نام این محکومان را علی مجدم، محمدرضا مقدم، معین خنفری، حبیب دریس،

